

متن پرسش

سلام علیکم استاد ارجمند بنده خانمی ۲۴ هستم که بتازگی متاهل شده ام. همیشه از نوجوانی در مورد تعلیم و تربیت و معلم شدن فکر کرده و هدف‌گزینی کرده ام که نتیجتاً تصمیم گرفتم معلم فیزیک بشوم و در این لباس، سعی در تربیت صحیح و اصلاح الگوی زندگی دانش‌آموزان داشته باشم. اکنون لیسانس فیزیک دارم از دانشگاه سراسری در تهران. ولی با توجه به تجربیات مفصلی که در دانشگاه بدست آوردم و با دیدن جو موجود اساتید و دانشجویان و نیز با توجه به نزول فرهنگی نسل به نسل جامعه، بنظرم می‌رسد که تصمیمی که گرفته بودم الان موثر نیست و باید فکر اساسی تری بشود. در این راستا یه این فکر کردم که حضرت آقا چقدر در بحث تعلیم و تربیت دغدغه دارند و مطالب شان واقعا عمیق است. نمی‌شود از نظام معیوب و صهیونیستی آموزش و پرورش ما، نسلی نخبه و انقلابی و سالم از نظر روانی تحویل گرفت که مایه عزت روز افزون کشور باشند تربیت باید به فرهیختگان جامعه سپرده شود و نیز روش‌های جدید و منطبق بر آموزه‌های اسلام ناب تنها راه نجات است. نه اینکه صرفاً معلمان دینی، آن هم با این کتابهای نوشته شده در عهد دقیانوس! بتوانند نوجوانی را که بشدت با نسل‌های قبل از خود متفاوت است - و مثلاً امروز مساله ذهنی اش این است که آیا پسری که ازش باردار شده است بالاخره با او ازدواج می‌کند یا نه!!! - هدایت کنند. در زمینه تحول در نظام آموزشی، صحبت‌های آقای پناهیان را خیلی می‌پسندم و ایرادات ایشان را به عینه و با تک تک سلول‌های بدنم در دوران تحصیل درک کرده‌ام با اینکه همواره خودم شاگرد منضبط و مودب و سخت‌کوشی بوده‌ام، امروز می‌بینم که هیچ تفاوتی بین این که کسی شاگرد خوبی در مدرسه بوده باشد یا نباشد عملاً در جامعه وجود ندارد بلکه بسیاری از اوقات، کسانی که بی‌انضباط‌تر و درس‌نخوان هستند، در زندگی و کار و خلاقیت و نیز در جریزه‌داشتن برای چرخاندن زندگی موفق‌تر هستند و ما فقط ذهن خود را با محفوظات بدرد نخور پر کرده‌ایم! بگذریم. خلاصه استاد من بقدری از این نظام آموزشی گله‌مندم که حتی مدتی پس از اتمام تحصیلات خودم فویبایی مدرسه داشتم و حتی در نظر داشتم فرزندان خودم را از این فضای مهلک و انگیزه‌کش، دور نگهدارم و خودم در خانه مطالب بهتری به آنها یاد بدهم! که البته از این نظر هم به دلایلی منصرف شدم و بفکر افتادم که خودم باید کاری کنم برای تحول در نظام آموزشی کشورم. حتی اگر بی‌نتیجه بماند زحماتم. لاقلاً تلاشم را کرده باشم.

اکنون نمی‌دانم چه راهی پیش بگیرم و چه رشته‌ای را ادامه بدهم برای ارشد و دکتری تا در این راستا بتوانم کمکی بکنم که سر کلاس‌های مدارس، محسوس باشد نه اینکه فقط نظریه بدهم و قانون و بخش نامه روی کاغذ ابلاغ کنم! می‌خواهم واقعا حتی اگر نمی‌توانم تاثیر کلان بر تمام مدارس ایران

بگذارم، لاقلاً بچه های یک شهر یا نهایتاً یک مدرسه را نجات دهم نگذارم از اول عمر، جامعه منحنی و افکار ناقص و غربی و شرقی، طعم شیرین زندگی خدادادی را از آنها بگیرد. هر چه فکر می کنم می بینم با معلم شدن نمی توان به این مقصود رسید. چون اولاً وقتی نظام و اصل ساختار دچار خلل های عمیق باشد، معلم هم مجبور است همان چیزی که به او دیکته شده است را پیاده کند. مادر خودم معلم بوده اند، می گویند در این سال های آخر تدریس، بقدری جو بچه ها عوض شده که دیگر حتی گوش شنوایی وجود ندارد تا کمی معلمی بتواند با بچه ها از مسائل مهم و کاربردی زندگی صحبت کند. من خودم هم در دانشگاه شاهد بودم که اگر استادی (ندرتاً) پیدا می شد که بخواهد کمی حرف حقیقت و معرفتی سر کلاس بزند به او اعتراض می شد که استاد لطفاً وقت ما را نگیرید و فیزیک خودتان را درس بدهید و مثلاً در مورد چیزی که تحصیلات و مدرک ندارید سخن نرانید! و نیز بطور کلی خیلی مورد توجه قرار نمی گرفت و ای بسا مورد تحقیر و خنده دانشجویان هم واقع می شد. چون دانشجویان آمده بودند فقط مدرک بگیرند و واحد ها را پاس کنند بروند! و کسی به فکر این مملکت و بچه های معصوم نبود و نیست ثانیاً بچه ای که در خانواده اش دچار درگیری های فاجعه آمیز مثل طلاق و دعوا و اعتیاد و فقر و... است هیچ چیز نمی خواهد جز آرامش و دیگر حتی حال شنیدن صدای معلم را ندارد. چه برسد به تحصیل و تهذیب و چه برسد به آرمان های امام بنده خدا! من اکنون که خودم لیسانس دارم هیچ ارزشی برای آن قائل نیستم و از بدو ورود به دانشگاه هم برایم دانشگاه مهم نبود و فقط بعنوان ابزار برای رسیدن به هدفم به آن نگاه می کردم و واقعا از دانشگاه لذتی نبردم کما اینکه از مدرسه نبردم چون اینها هیچ وقت هدف من نبودند حتی اگر خیییییییی درسخوان می بودم ولی الان می بینم برای رسیدن به هدفم و احقاق منویات آقا در مورد نظام آموزشی کشور باید اساساً کار دیگری انجام دهم ولی هنوز نقش خود را در نیافته ام. نمی دانم چه رشته ای بخوانم، چه کار می توانم بکنم؟ آیا روانشناسی تربیتی خوب است؟ یا مدیریت آموزشی؟ نمی خواهم باز گرفتار سردرگمی های موجود در دانشگاه بشوم و از اصل هدفم باز بمانم احساس می کنم تحصیلات دانشگاهی هم فقط وسیله ایست چون بدون مدرک در این مملکت نمی شود کاری کرد، متأسفانه. پس مدرک لازم است ولی آیا من خودم صلاحیت دارم که بخوام کسی را تربیت کنم؟ من که خودم ضعف هایی قطعاً دارم. نمی خواهم ناقص به سر کاری بروم من نباید در لباس تربیت کردن نسل آینده، به آنها خیانت کنم هر چند از نادانی و ضعفم باشد کاری که براحتی بعضی معلمان و اساس سیستم آموزشی کشور در مورد ما انجام دادند من حتی از اینکه بروم در مسجد و در بسیج محل و برای نوجوانان کلاس تربیتی دینی بگذارم با اینکه خیلی ازم درخواست می شد، خیلی ترس داشتم و آخر هم نرفتم. یکی از دلایلم این بود که هیچ وقت کسی با من رفتار با نوجوان و تربیت او را یاد نداده بود نمی خواستم ضررم بیش از منفعتم باشد و بقول آیت الله بهجت، وقتی کاری را نمی دانی احتیاط کن. همچنین شهید بزرگوار، چمران عزیزم که واقعا دوستش دارم، را هرگز فراموش نمی کنم وقتی نظرش اینست: «می گویند تقوا از تخصص لازم تر است، این را می پذیرم امام می گویم

کسی که تخصص ندارد و کاری را می پذیرد بی تقواست!« لذا لازم می بینم که خودم غیر از تحصیلات تکمیلی ام در هر رشته ای، مطالعات فرهنگی و تربیتی هم داشته باشم. البته با اینکه همسر هم طلبه اند و مشوق من برای معلم شدن، هرگز نمی خواهم در این خیانت عظیم شرکت کنم و نادانسته ژست تربیت کردن نسل را بگیرم! بلکه می خواهم نظامش را تصحیح کنم و آنگاه معلم شوم خیلی عذر می خواهم بابت اطاله کلام. لطفاً مرا راهنمایی نمایید که اولاً از چه راه و رشته ای می توانم به مقصودم برسم؟ ثانیاً در مورد مطالعات شخصی ام چه مطالبی را توصیه می فرمائید؟ خیلی ممنونم از زحمات شما

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: این دقت و حساسیت خوبی است ولی همان طور که متوجه اید ما گرفتار نظام آموزشی استعماری هستیم. بنده هم مدت ها فکر کردم، به همین جهت از کار اجرائی فاصله گرفتم تا با کار فرهنگی قدمی برای اصلاح امور برداشته شود. ظاهراً فرماندهی جبهه‌ی فرهنگی ما در همین راستا فرمان «آتش به اختیار» داده است یعنی زمانه، زمانه‌ای است که چندان نمی‌توان به نهادهای فرهنگی امید داشت، ولی راه، بسته نیست، هرکس باید در هر حوزه‌ای که خدا در مقابل او قرار داده است هر اقدامی که می‌تواند انجام دهد. خداوند، راه‌گشاست، بیشتر باید توجه کرد. موفق باشید